

West Asia Concert; the Pattern of Regional Order Centered on Iran, Türkiye, Saudi Arabia

Ali Salehian*

PhD Student in International Relations, Tarbiat Modares University, A_Salehian@modares.ac.ir

Seyyed Masoud Mousavi Shafae^{id}

Associate Professor of International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran,
shafae@modares.ac.ir

Abstract

Purpose: Order at different levels has always been one of the most central challenges and questions in the field of international relations. The West Asian region has always been the focus of experts' attention for many reasons, including its role in energy production, transit of goods and transit, and security crises. By raising the question of how to achieve a regional order in West Asia, this research looks for a possible model for regional order according to the developments of the international system.

Method: The method used is explanatory-analytical approach and reference to library resources and data collection method based on statistics and international documents.

Findings: The effect of the withdrawal of the extra-regional powers and the creation of a power vacuum and the growth of the desire for economic development in the region are determining factors in the regional order and creates an opportunity window.

Conclusion: Based on the pattern of concert order and its characteristics, it is possible to reach arrangements in West Asia centered on Iran, Türkiye and Saudi Arabia.

Key words: Regional Order, Concert Order, West Asia.

Article type: Research

* Received on 3 February, 2024 Accepted on 13 June, 2024

Cite this article: Salehian & Mousavi Shafae (2024) West Asia Concert; the Pattern of Regional Order Centered on Iran, Türkiye, Saudi Arabia, winter 2025, Vol.13, NO.4, 25-43.

DOI: 10.30479/psiw.2024.19929.3307

© The Author(s).




Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Ali Salehian (A_Salehian@modares.ac.ir)

الگوی نظم منطقه‌ای غرب آسیا با محوریت ایران، ترکیه و عربستان (کنسرت غرب آسیا)

علی صالحیان*

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس، A_Salehian@modares.ac.ir

سید مسعود موسوی شفاغی 

هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، smshafae@gmail.com

چکیده

هدف: نظم در سطوح متفاوت همیشه یکی از کانونی‌ترین چالش‌ها و سؤالات رشته روابط بین‌الملل بوده است. منطقه غرب آسیا نیز به دلایل متعدد از جمله نقش آن در تولید انرژی، ترانزیت کالا و گذرراه‌ها و بحران‌های امنیتی، همیشه کانون توجه کارشناسان بوده است. این پژوهش با طرح این سؤال که چگونه می‌توان به نظمی منطقه‌ای در غرب آسیا دست یافت، به دنبال الگویی محتمل برای نظم منطقه‌ای با توجه به تحولات نظام بین‌الملل است.

روش: روش بکارگرفته شده رویکرد تبیینی-تحلیلی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و شیوه گردآوری داده مبتنی بر آمار و اسناد بین‌المللی است.

یافته‌ها: تأثیر خروج نیروی فرامنطقه‌ای و ایجاد خلأ قدرت و رشد خواست توسعه اقتصادی در منطقه را عواملی تعیین‌کننده در نظم منطقه‌ای است و در نتیجه فرصتی را ایجاد می‌کند می‌گیرد؛

نتیجه‌گیری: می‌توان براساس الگوی نظم کنسرتی و شاخصه‌های آن به ترتیبی در غرب آسیا با محوریت ایران، ترکیه و عربستان رسید

واژگان کلیدی: نظم منطقه‌ای، نظم کنسرت، غرب آسیا، ایران، ترکیه، عربستان.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۲۴
استناد: صالحیان و موسوی شفاغی (۱۴۰۳)، الگوی نظم منطقه‌ای غرب آسیا با محوریت ایران، ترکیه و عربستان (کنسرت غرب آسیا)، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲: ۲۵-۴۳.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

منطقه غرب آسیا را می‌توان یکی از سیال‌ترین مناطق دنیا از نظر سرعت، گستره و حجم رویدادها دانست. دلایل متعددی برای این امر قابل ذکر است؛ مانند وجود کالای جهان‌روایی مانند انرژی و نفت، فرایند ناتمام دولت-ملت‌سازی در بسیاری از کشورهای منطقه و حضور پررنگ بازیگران خارج از این منطقه که ترجیحات و اهداف کنشگران را جهت می‌دهند. شکل‌گیری نظم و امنیت در منطقه همواره با چالش‌های متعددی در حوزه‌های هویتی، اقتصادی، اختلافات مرزی و عدم اعتماد به نیات دیگران روبه‌رو بوده است. نبود نظم پایدار در منطقه باعث سطح بالای درگیری‌ها و هزینه‌های متعاقب آن برای کشورها و مردم منطقه شده است. شاید بعد از فروپاشی عثمانی نتوان نظمی فراگیر را در منطقه غرب آسیا شناسایی کرد. خاستگاه این منطقه به‌عنوان منطقه‌ای از دولت‌های ضعیف مورد نفوذ قدرت‌های بین‌المللی به افول قدرت عثمانی در قرن هجدهم برمی‌گردد. در این بین ویژگی‌های منطقه غرب آسیا نیز بر کلیت نظم منطقه‌ای تأثیر گذاشته است. بعد از فروپاشی عثمانی منطقه دچار نوعی هویت‌های نابالوغ یافته ملی، دغدغه اساسی و روزانه تأمین امنیت نسبت به همسایگان شده است که حاصل آن یکی از آشوب‌ناک‌ترین مناطق جهان شده است. عامل دیگر نقش منطقه در تولید انرژی است که حضور بازیگران غیرمنطقه‌ای را به نسبت دیگر مناطق بسیار پررنگ‌تر می‌کند. لذا جنگ‌های متعدد مانند حمله عراق به ایران و کویت، حمله امریکا به افغانستان و عراق، تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان، حملات نظامی گسترده عربستان به یمن و منازعات ارمنستان و آذربایجان همگی حاکی از بسامد بالای درگیری در منطقه است. یکی دیگر از مسائل مزمن منطقه شکاف درآمدی و تقسیم‌بندی کشورها بین فقیر و غنی است. کمبود منابع آب مدت‌هاست به معضلی جدی در خاورمیانه و بسیاری دیگر از نقاط جهان تبدیل شده است.

اصلی‌ترین دغدغه کشورها در طول سالیان تقلاي امنیتی و تلاش برای بقاء در منطقه بوده است. شرایط سیال و بی‌ثباتی که مدت‌هاست غرب آسیا را در بر گرفته است. غلبه منازعه در گفتمان‌های منطقه‌ای و اقدامات دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در واقع مشخصه سیستم منطقه‌ای عرب آسیا در چند دهه اخیر بوده است، اگرچه تلاش‌های زیادی نیز برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای یا زیرمنطقه‌ای صورت گرفته است. با این حال، هیچ یک از آنها نتوانستند ویژگی کلی تعاملات در این منطقه را به سمت همکاری پایدار تغییر دهند (Maul, 2018:143).

تلاش‌ها را - چه خارجی و چه داخلی - برای تحمیل یا تشکیل نظم ناکام گذاشته است. انگلیسی‌ها چشم‌انداز به تعبیر خودشان خاورمیانه‌ای باثبات، زیر سلطه بریتانیا و پس از عثمانی داشتند؛ اما واقعیت اشتراک قدرت با فرانسوی‌ها تجدید حیات ترکیه، کاهش قدرت بریتانیا و ناآرامی‌های جدی استعماری در عراق، فلسطین و مصر نظم‌سازی منطقه‌ای را به جهتی متفاوت هدایت کرد. ایالات متحده تلاش کرد تا نظم خود را از طریق پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ تحمیل

کند؛ اما رقابت جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی و مخالفان داخلی به رهبری ناصر این نقشه‌ها را خنثی کرد. ناصر بیش از همه به ایجاد نظم عربی نزدیک شد و تا آنجا پیش رفت که بین مصر و سوریه به وحدت رسید. پس از سال ۲۰۰۱ ایالات متحده نه تنها به دنبال ایجاد یک نظم جدید منطقه‌ای، بلکه یک خاورمیانه جدید بود. در این میان حضور نیروهای فرامنطقه‌ای همانند ایالات متحده و تأثیر انکارناپذیر آن در تعیین معادلات منطقه موجب پیچیده‌تر شدن محیط امنیتی خاورمیانه شده است. ترجیحات و عوامل متعدد دخیل در منطقه و عدم تفوق مطلق هیچ یک از بازیگران موجب آشوب‌ناکی منطقه عرب آسیا گشته است. لذا عوامل نظم‌گریزی، هم در منطقه وجود دارد و هم می‌تواند به آن تحمیل شود. در تحلیل سیستماتیک نسبت به این امر، یکی از دلایل اصلی اتفاقات و حوادث گسترده، فقدان نظمی پایدار و کارآمد در سطح منطقه‌ای است. اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع از این رو است که ترسیم و طراحی نظمی منطقه‌ای که ضریب قابل‌اعتنایی از احتمال موفقیت داشته باشد، قادر است تا مسیر همکاری و توسعه را برای کشورهای منطقه هموار سازد و ذهنیتی که در طول سال‌ها به دغدغه خود یعنی امنیت پرداخته است را تا حد قابل توجهی پاسخ دهد. در صورت شکل‌گیری نظمی حتی کم‌مایه در سطح منطقه، سطح تنش به ویژه به صورت نظامی کاهش خواهد یافت و منطقه را از کانون درگیری‌های نظامی و هزینه‌های آن دور خواهد کرد. پرداختن به الگویی از نظمی منطقه‌ای به منظور جایابی مناسب ایران برای تضمین انتفاع آن نیز اهمیتی کتمان‌ناپذیر دارد.

پژوهش با درک همین اهمیت به این سؤال محوری می‌پردازد: «چگونه می‌توان به نظمی منطقه‌ای در غرب آسیا دست یافت؟». برای دستیابی به پاسخ این سؤال، به مفهوم نظم منطقه‌ای و انواع آن پرداخته‌ایم؛ سپس با برگزیدن نظم کنسرتی به‌عنوان الگویی مناسب برای اجرا، شاخصه‌های آن بررسی شده است. در وهله بعد با توجه به وضعیت منطقه و با انتخاب سه کشور ایران، ترکیه و عربستان و مقایسه کلی سطح قدرت این سه کشور به ارائه الگویی از نظم کنسرتی بر پایه این سه کشور پرداخته‌ایم. فرضیه‌ای که در پاسخ به سؤال مطرح شده است این است که با طراحی الگوی نظم منطقه‌ای بر پایه نظم کنسرتی با مشارکت سه بازیگر ایران، ترکیه و عربستان می‌توان به نظم منطقه‌ای رسید. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای سعی شده است به سؤال اصلی پژوهش، پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

دهشیار و معراجی در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی شکل‌گیری نظم و امنیت در منطقه پساآمریکایی» با توجه به خروج نیروهای خارجی امریکایی، نظم ممکن در غرب آسیا را با بهره‌گیری از نظریه جامعه امن به صورت جامعه نوظهور و سست پیوند بررسی می‌کنند. از ویژگی‌های این جامعه، عدم درگیری فیزیکی، داوطلبانه بودن قواعد رفتاری، امکان ایجاد هویت مشترک و میل بازیگران برای حل و فصل اختلافات و مناقشات است. نویسندگان این مقاله با

توجه به موانع شکل‌گیری نظم درون‌زا مانند مکمل نبودن اقتصاد کشورها و معمای امنیت به امکان شکل‌گیری جامعه امن می‌پردازند. نویسندگان به این موضوع می‌پردازند که شکل‌گیری نظم و امنیت در منطقه‌ای که همواره با چالش‌های متعددی در حوزه‌های هویتی، اقتصادی، اختلافات مرزی و بی‌اعتماد به نیت دیگران روبه‌رو بوده، دشوار است. در این میان حضور نیروهای فرامنطقه‌ای همانند ایالت متحده و تأثیر انکارناپذیر آن‌ها در تعیین معادلات منطقه موجب پیچیده‌تر شدن محیط امنیتی خاورمیانه شده است.

رسولی، طاهری و پاکزاد مقدم نیز در مقاله‌ای با عنوان «آینده پژوهی روابط سیاسی ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه» در سال ۱۳۹۹، با برجسته کردن دو بازگیر منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان به تأثیر این ارتباط بر احتمال شکل‌گیری نظم منطقه‌ای پرداخته‌اند. این مقاله با بررسی عواملی همچون تعارضات ایدئولوژیک، رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، دیدگاه متفاوت به حضور آمریکا در منطقه و تفاوت‌های هویتی به‌ویژه به دین، امکان شکل‌گیری نظم منطقه‌ای را در الگوهای متفاوت نظم امنیتی از نظم هژمونیک، نظم موازنه‌ای، نظم کنسرتی تا نظم امنیت دسته‌جمعی و تکتگر را بررسی کرده است.

مقاله دیگر با عنوان «عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا بر اساس نظریه موازنه همه‌جانبه» نوشته دهشیری و شاه مرادی است. این پژوهش، موازنه همه‌جانبه به معنای اهمیت مخاطرات درونی در کنار تهدیدات بیرونی در محاسبات امنیتی را مد نظر قرار داده، و به بازیگران فراملی، ملی و فراملی و به‌ویژه منطقه‌ای پرداخته است. آن‌ها نیز سه بازیگر ایران، عربستان سعودی و ترکیه را برجسته، و دو مدل نظم پازلی و شطرنجی را ارائه کردند.

احمدی و طالبی آرانی در مقاله بازخوانی مدل‌های مطالعات منطقه‌ای در تقویت مبانی کاربردی الگوی‌های روابط امنیتی بین‌منطقه‌ای در سال ۱۳۹۷، نیز با بازخوانی الگوهای مطالعات منطقه‌ای و پرداختن به مفاهیم پایه‌ای مانند منطقه و کنشگری، سه پس‌زمینه متعارف در حوزه مناطق و روابط بین‌الملل را معرفی می‌کند که شامل رویکرد قدرت محور، منفعت محور و هویت محور می‌شود. در نهایت این پژوهش با تدوین و ارائه نظریه‌ای گلچینی به رفتارکاوی در مناطق می‌پردازد.

در حوزه آینده‌پژوهی نظم منطقه و در سال ۱۴۰۰ نیز به‌ویژه با توجه به خروج آمریکا از منطقه، معراجی، دهشیار و دهشیری با بهره‌گیری از مدل تایدا چهارچوبی مفهومی، در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه از منظر مدل آینده‌پژوهی تایدا» به دست آورده‌اند. این پژوهش با هدف قرار دادن همگرایی منطقه‌ای برای تأمین امنیت، روندهایی را در منطقه مانند ایران‌هراسی، آشوب‌زدگی در کشورهای اسلامی و ضعف دولت‌های مرکزی نام برده است.

در سال ۱۴۰۱ مجموعه ای از نویسندگان به مسئولیت موسوی شفائی نیز بر تأثیر نظم جهانی و تحولات آن بر نظم منطقه‌ای با مقاله ای با عنوان «مقاله پویایی های نظم در سطح جهانی - منطقه ای و دگردیسی نقش کنشگران منطقه ای خلیج فارس (مطالعه موردی: امارات متحده عربی)» می‌پردازد. این مقاله با توجه به تغییر ساختار اجتماعی به دنبال تغییر نظم جهانی به فرصت ارتقای کنشگری برخی بازیگران منطقه‌ای مانند امارات پرداخته است. در این پژوهش اساساً نظم منطقه تحت تأثیر تحولات جهانی و به نوعی از بالا به پایین تصویر می‌شود. طالبی آرانی و کریم آبادی با توجه به مکتب انگلیسی به واکاوی نظم‌های منطقه‌ای غیرغربی و امکان وجود آن پرداخته‌اند. نویسندگان با تقسیم‌بندی نگاه‌های متفاوت به نظم منطقه‌ای سه دسته‌بندی نگاه ژئوپلیتیک محور با تأکید بر امنیت، نگاه نظام محور و نگاه منطقه‌ای و همگرایی، هفت سناریو برای تشکیل نظم غیرغربی را شناسایی می‌کنند.

کتاب «نظم منطقه‌ای جدید در خاورمیانه» به ویراست سارا بازوبانی^۱ به نظم منطقه‌ای در خاورمیانه می‌پردازد. نویسنده معتقد است در دهه‌های اخیر، میلیون‌ها نفر در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نارضایتی‌های مشابهی داشته‌اند؛ از جمله نابرابری، فقدان تحرک اجتماعی، روابط منسوخ دولت-شهروندی و نبود کلی امید به سیستم‌های سیاسی خود. این نارضایتی‌ها باعث ایجاد تغییرات گسترده و مداوم در سراسر منطقه شده است. زنجیره‌ای از رویدادهای تاریخی و دراماتیک از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ در منطقه رخ داده است. این کتاب تلاشی جمعی برای روشن کردن برخی از رویدادهای کلیدی، دلایل زیربنایی پس‌پشت آن و چالش‌های آینده برای منطقه است.

گزارش امور مؤسسه بین‌المللی رم ادعا می‌کند که نظم منطقه‌ای خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به طرق مختلف تغییر کرده است: کاهش قدرت آمریکا، ظهور فرقه‌گرایی، نفوذ فزاینده بازیگران غیردولتی، بازگشت نفوذپذیری کشورهای عربی، تشدید رقابت بین ایران و عربستان سعودی، ظهور بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه، قطر و امارات متحده عربی و سیال بودن اتحادها. با این حال این گزارش معتقد است، این تغییرات و دیگر تغییرات به جای ایجاد نظم، تغییری در نظم موجود شکل می‌دهد.

منابعی که در حوزه نظم منطقه‌ای بدان پرداخته شده است، معمولاً بر اساس اوضاع زمان نگارش آن پژوهش‌ها هستند و معمولاً الگوی نظم منطقه‌ای پیشنهادی منطبق با اوضاع فعلی ارائه نمی‌شود. پژوهش‌ها بیشتر به توصیف اوضاع و روندها و سازوکارهای نظم منطقه‌ای پرداخته‌اند و نظم مشخصی را بر شرایط و بازیگران مشخص اعمال نکرده‌اند. پژوهش فعلی در پی رسیدن به این امر است. با توجه به تحولات اخیر و به‌ویژه توافق ایران عربستان و وضعیت داخلی کشورهای منطقه به خصوص سه کشور مورد نظر در کنار استمرار و تقویت خروج آمریکا

1. Sara Bazoobani

از منطقه، پرداختن به نظم منطقه‌ای و ارائه الگویی از نظم منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با بهره‌گیری از نکات و منابعی مربوط به حوزه نظم منطقه‌ای و غرب آسیا تلاش کرده است تا به محوریت قرار دادن نظم کنسرتی به نوعی تقسیم وظایف و نظمی سه راسی بر اساس سه کشور ایران، عربستان و ترکیه را صورت‌بندی کند.

چهار چوب مفهومی: نظم منطقه‌ای

ساده‌ترین تعریف درباره منطقه را جوزف نای مطرح کرده است. وی بر این باور است که منطقه به مجموعه محدودی از دولت‌ها که به واسطه روابط جغرافیایی و درجه‌ای از وابستگی متقابل به هم متصل هستند اشاره دارد (طالبی و احمدی، ۱۳۹۸: ۱۶۳). نظم منطقه‌ای را می‌توان سازماندهی رفتاری میان بازیگران موجود در یک منطقه تعریف کرد. فرضی که در این نوع نظم مفروض است، وجود قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، سیاست‌های آن‌ها و تعامل آن‌ها با دیگر دولت‌های منطقه‌ای مهم است. تعریف دیگر نظم منطقه‌ای به عنوان یک ترتیب رسمی یا غیررسمی تعریف می‌شود که تعاملات حاکم بر قواعد را بین واحدهای مختلف در یک سیستم در تعقیب اهداف فردی و جمعی حفظ می‌کند (Sarto et al, 2019: 5). نظم منطقه‌ای را می‌توان سازمان‌دهی الگوهای رفتاری میان واحدها و کنشگران موجود در یک منطقه تعریف کرد که در نتیجه آن هدف‌های سامانه‌ی منطقه‌ای محقق شود. برخلاف نظم قدیمی که در آن ویژگی‌های ژئوپلیتیک نقش اصلی را دارد، نظم‌های جدید حالت چندبعدی دارند و به غیر از بعد امنیتی می‌توانند شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشند (آقایی و طاهری، ۱۳۹۶: ۲۵۸)؛ لذا در نهایت اصطلاح «نظم منطقه‌ای» به‌طور کلی به سیستم به‌هم‌پیوسته ترتیبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی اشاره دارد که پویایی‌ها و تعاملات بین کشورها را در یک منطقه جغرافیایی خاص شکل می‌دهد. این می‌تواند شامل توزیع قدرت، اتحادها، معاهدات، موافقت‌نامه‌های تجاری و روابط دیپلماتیک باشد که به ایجاد حس ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و همکاری در یک منطقه خاص کمک می‌کند. یکی از مفاهیم مرتبط با مفهوم نظم منطقه‌ای «قدرت منطقه‌ای» است، به‌طور کلی قدرت‌های منطقه‌ای قطبیت را در هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعریف می‌کند (رسولی ثانی آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵).

منطقه واحد نیز دارای چند شاخص مهم است:

الف. دولت‌های حاکمیت‌دار به‌عنوان اجزای تشکیل دهنده

ب. هم‌جواری نسبی و واقعی آنان

پ. وجود درکی از منافع در بین بازیگران منطقه

ت. تأثیر متقابل بین اجزای منطقه

ث. شناسایی منطقه در بین الملل به‌عنوان یک جغرافیا

در ضمن دو ویژگی نیز برای نظم‌های منطقه‌ای غیرغربی قابل‌شناسایی است:

الف. دخالت قدرت‌های بزرگ در تعاملات منطقه

ب. تمایل کشورهای منطقه برای انتقال مسئولیت امنیت خود به قدرت‌های بزرگ و یا تمرکز کشورها برای مقابله با قدرت فرامنطقه‌ای مداخله‌گر (طالبی و احمدی، ۱۳۹۸).

در این بین ویژگی‌های منطقه غرب آسیا نیز بر کلیت نظم منطقه‌ای تأثیر گذاشته است. بعد از فروپاشی عثمانی منطقه دچار نوعی هویت‌های بلوغ‌نیافته ملی و دغدغه اساسی و روزانه تأمین امنیت به همسایگان شده است که حاصل آن ایجاد یکی از آشوب‌ناک‌ترین مناطق جهان شده است. عامل دیگر، نقش منطقه در تولید انرژی است که حضور بازیگران غیرمنطقه‌ای را به نسبت دیگر مناطق بسیار پررنگ‌تر می‌کند. لذا جنگ‌های متعدد مانند حمله عراق به ایران و کویت، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان، حملات نظامی گسترده عربستان به یمن و منازعات ارمنستان و آذربایجان همگی حاکی از بسامد بالای درگیری در منطقه است. یکی دیگر از مسائل مزمن منطقه شکاف درآمدی و تقسیم‌بندی کشورها بین فقیر و غنی است. کمبود منابع آب مدت‌هاست به معضلی جدی در خاورمیانه و بسیاری دیگر از نقاط جهان تبدیل شده است. سرزمین‌های بزرگ و خشک خاورمیانه نیز وابسته به آبی هستند که از طریق رودخانه‌های محدودی تأمین می‌شود. بیشتر کشورهای منطقه به سرعت در معرض کمبود آب قرار دارند که ممکن است اثر تغییرات آب و هوایی را در تمام ابعاد استفاده از آب افزایش دهد. تشابه در عمده محصولات تولید شده در بین کشورهای خاورمیانه، موجب مکمل نبودن اقتصاد آن‌ها شده است و به این دلیل سطح مبادلات میان آن‌ها بسیار کم است. مسئله وجود معمای امنیت، ویژگی است که تحلیل‌گران اغلب برای غرب آسیا نام می‌برند. چون در غرب آسیا احساس ناامنی با نزدیکی و مجاورت همراه است؛ به همین دلیل بیشتر کشورهای همسایگان خود بیشتر در هراس هستند تا قدرت‌های دوردست. به واسطه این معمای امنیت، بازیگران درگیر بازی با حاصل جمع جبری صفر شده‌اند که در نهایت احساس مشترکی از «ما بودگی» بین آنان ایجاد نشده است (دهشیار و معراجی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

مهم‌ترین شیوه‌های برقراری نظم منطقه‌ای عبارت است از:

- نظم هژمونیک که در آن قدرت برتر نقش اصلی را ایفا، و نظمی از بالا به پایین را در منطقه ایجاد می‌کند.
- نظم موازنه‌ای که در آن کنشگران در قدرت، همدیگر را متوازن و متعادل می‌کنند.
- نظم کنسرتی که در آن قدرت‌های منطقه‌ای توافق می‌کنند تا درباره حفظ نظم و امنیت منطقه‌ای با همدیگر همکاری و شناخت مشترک داشته باشند. در ادامه به این نوع نظم بیشتر خواهیم پرداخت.

• نظم امنیت دسته‌جمعی، شامل نظم امنیتی چندجانبه‌ای است که کشورها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعقیب می‌کنند. در این نظم قدرت‌های کوچک هم در مدیریت امنیتی شرکت دارند در صورتی که در کنسرت نظم معطوف به قدرت‌های بزرگ است.

• نظم امنیتی تک‌ترگرا که به علت به حداقل رسیدن امکان خشونت، ترتیبات رسمی امنیتی وجود ندارد (رسولی ثانی آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

با توضیحاتی که درباره اوضاع و اقتضائات نظم منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا داده شد، همان طور که با بررسی پژوهش‌های قبلی هم مشهود است به نظر می‌رسید رسیدن به سازوکاری نظم‌ساز در منطقه با مشکلات فراوانی همراه باشد؛ اما با توجه به اوضاع فعلی حداقل دو عامل احتمال و ضریب موفقیت رسیدن به نوعی نظم منطقه‌ای را تقویت کرده، و فرصتی مغتنم را برای ایجاد نظمی منطقه‌ای فراهم کرده است.

الف. عامل بیرونی: خروج امریکا از منطقه؛ به این معنا که نقش هژمونی خود را به نقشی با بروز و حضور کمتر در منطقه جایگزین کرده است. ایالت متحده امریکا به صورت کلی به دلیل مواردی مانند تمرکز بر مهار چین، پرهزینه بودن حضور در مناطقی مانند غرب آسیا، کاهش اساسی نیاز به نفت منطقه و مشکلات داخلی دیگر علاقه و توان لازم برای حضور در منطقه را ندارد و همین به نوعی خلأ قدرتی مافوق را در روابط منطقه ایجاد کرده است که فرصت رشد تأثیر قدرت‌های برآمده از داخل خود منطقه را افزایش می‌دهد.

ب. عامل درونی: کشورهای منطقه با پشت سر گذاشتن مجموعه‌ای از بحران‌های پیرامونی از جمله حمله امریکا به افغانستان، اشغال عراق، جنگ لبنان با رژیم صهیونیستی، بحران گسترده گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق، جنگ عربستان با یمن و بحران‌های متعدد سرزمین‌های اشغالی همواره محیطی تنش‌مند بوده است. عوامل زیست محیطی مانند خشکسالی و عوامل هویتی نیز تکانه این تنش‌ها را افزایش داده است و به تعبیری منطقه را زیر ضربه مداوم برده است. این امر تا حد زیادی موجب از دست رفتن فرصت‌های توسعه‌ای منطقه شده است. حتی کشورهای کوچک خلیج فارس هم اگرچه شاهد رشدی نقطه‌ای بوده‌اند، ظرفیت بالای آسیب‌پذیری این مراکز در بحران‌های قبلی مانند تحریم قطر توسط محور عربستان و یا پاسخ‌های یمن به حملات امارات نمایان شده است. در نهایت، بیشتر کشورهای منطقه با معضل اقتصادی در داخل به دنبال دست‌یابی به اهداف توسعه‌ای خود هستند. این امر تنها با کاهش تنش در منطقه پیرامونی خودشان اتفاق می‌افتد. لذا در صورت امکان از نظمی منطقه‌ای که متضمن توسعه اقتصادی در کنار دغدغه‌های امنیتی خود باشد، حمایت خواهند کرد.

نظم کنسرت در غرب آسیا

به نظر می‌رسد نظمی که می‌توان برای نظم منطقه پیشنهاد کرد نظمی مشابه کنسرت اروپاست. اصطلاح «کنسرت اروپا» به‌طور گسترده از اواخر دهه ۱۸۷۰ برای اشاره به شیوه‌های نهادینه شده مشاوره و همکاری قدرت‌های بزرگ که مشخصه سیاست اروپا پس از ۱۸۱۵ بود، استفاده شد (Humphreys, 2017:46-50). در یک سیستم کنسرت، گروهی از قدرت‌های بزرگ به‌طور پیوسته به شیوه‌ای نهادینه شده، اما نه لزوماً رسمی، برای حفظ صلح و شکل‌دهی آن و حفظ و مدیریت تغییرات در نظم بین‌المللی همکاری می‌کنند. کنسرت اروپا در چهارچوب سیستم دولتی بر اساس کنگره وین در سال ۱۸۱۵ ایجاد شد. این سیستم جدید به‌طور آگاهانه توسط قدرت‌های پیروز جنگ‌های ناپلئونی با هدف جلوگیری از تکرار چنین درگیری‌های مرگباری توسط قدرت‌های بزرگ ابداع شد (Albaret et al. 2014).

کنسرت قدرت‌ها معمولاً شامل گروهی از قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، چین، روسیه و اروپا می‌شود که برای رسیدگی به موضوعاتی مانند اشاعه هسته‌ای، تروریسم بین‌المللی و درگیری‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند. در کنسرت قدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ ممکن است با یکدیگر مشورت، و اقدامات خود را هماهنگ کنند؛ اما لزوماً به یک اتحاد یا معاهده رسمی ملزم نیستند؛ پس اولاً موضوع محور است و ثانیاً در سطح محدودی، هماهنگ‌کننده است. به صورت کلی در نظم کنسرتی به قدرت‌های بزرگ جایگاه ویژه‌ای داده می‌شود. قدرت‌ها به دنبال توسعه سرزمینی نیستند و به ارتباط مداوم بین خودشان توجه دارند. این موارد باعث عدم مقابله رسمی با دیگر قدرت‌های دیگر می‌شود، احتمال درگیری نظامی را کاهش می‌دهد و ثبات سرزمینی را افزایش می‌دهد (Lascurettes, 2017). فیروزآبادی نظم کنسرت را حد وسط نظم مبتنی بر موازنه قوا و امنیت دسته‌جمعی می‌داند؛ یعنی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای منازعه را مدیریت می‌کنند. وی لوازم تحقق نظم کنسرتی را شامل این موارد می‌داند که نخست قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای منافع حیاتی یکدیگر را به رسمیت بشناسند. دوم، هیچ قدرت برتر و مطلق در منطقه وجود نداشته باشد. سوم، درک بالایی از هزینه‌های بالقوه زیاد جنگ داشته باشند. چهارم، حق دیگر بازیگران مشارکت‌کننده در این فرایند را به رسمیت بشناسند و پنجم هم اینکه کشورها باید از وضعیت تجدیدنظرطلبی به دیگر کشورها و اصول حاکم دست بکشند و به وضعیت موجود و موقعیت خود راضی باشند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷).

ریچارد هاس و چالز کویچان درباره نظم کنسرت دو شاخصه را برجسته می‌دانند. آنها معتقدند کنسرت‌ها دارای دو ویژگی هستند که آن‌ها را به خوبی با فضای در حال ظهور جهانی متناسب می‌کند: نخست به لحاظ سیاسی فراگیر هستند و دوم به لحاظ رویه‌ای غیررسمی تلقی می‌شوند.

• فراگیری یک کنسرت به معنای این است که فارغ از نوع رژیم، کشورهای دارای نفوذ و ژئوپلیتیک قدرتمندی را که نیاز به حضورشان است در روند وارد می‌کند. با این کار، اختلافات ایدئولوژیک در مورد حاکمیت داخلی را تا حد زیادی از موارد همکاری بین‌المللی جدا می‌کند.

• غیررسمی بودن یک کنسرت به معنای فرار از رویه‌ها و توافقنامه‌های لازم‌الاجرا و قابل اجرا است. یک کنسرت یک فضای خصوصی را ارائه می‌کند که در آن اجماع‌سازی با رقابت و فریب ترکیب می‌شود؛ چراکه این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که ابرقدرت‌ها، هم منافع مشترک و هم رقابت خواهند داشت (Hass and Kupchan, 2021).

به نظر می‌رسد این پیشنهاد هاس و کویچان در سطح جهانی و نظم کنسرت تطبیق بیشتری با وضعیت منطقه غرب آسیا با بازیگری ایران، ترکیه و عربستان دارد؛ زیرا هیچ قدرت هژمونی در منطقه وجود ندارد و هیچ کشوری نیز به دلیل هزینه‌های بالا و احتمال پایین موفقیت به دنبال جنگ نیست. نکته دیگر این است که در این نوع نظم، نیازی به حل شدن همه مسائل و اختلافات بین قطب‌ها وجود ندارد. اساساً قطب‌های این نظم می‌توانند از نظر ایدئولوژیکی (حتی دیگر موضوعات) تفاوت نظر داشته باشند؛ اما با هم در یک نظم باشند. نکته‌ای که درباره عربستان قابل توجه است.

حال برای پیشنهاد نظمی منطقه‌ای با حضور این سه قطب ابتدا باید به جریان فرمانتقه‌ای و جهانی اشاره، و پویایی کلی نظم بین‌المللی را ترسیم کرد. منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه حداقل بعد از جنگ جهانی اول شاهد حضور قدرت‌های بزرگی از خارج از منطقه بوده است. شرایط نظام بین‌الملل فعلی فرصت بازیگری مستقل بازیگران منطقه را ایجاد کرده است.

سیاست ایالات متحده آمریکا به سمت موازنه از راه دور^۱ یا حتی حضور کم‌رنگ در منطقه به دلایلی مانند تمرکز بر صعود چین، بحران اوکراین و موضوعات داخلی آمریکا رفته است. لذا نظامی که آمریکایی‌ها به صورت عمومی از بعد از جنگ جهانی دوم و به صورت متمرکز در این منطقه بعد از اشغال افغانستان به دنبال ایجاد آن بودند، رها شده است. کشوری مثل ایران که مخالف این نظم آمریکا محور است در کنار عربستان و ترکیه به عنوان موافقان نسبی این نظم که با آمریکا همکاری می‌کنند، با نوعی خلأ قدرت بزرگ روبه‌رو هستند.

سیاست چین نیز از دیرباز دیپلماسی موازنه‌ای^۲ و اطمینان از جریان امنیت انرژی منطقه است. هرچند این کشور به‌عنوان یک واسطه در موضوع توافق ایران و عربستان نمایان شده است اما به نظر نمی‌رسد حداقل فعلاً توانایی و یا میل ورود به منطقه به صورت بازیگر نظم‌ساز را داشته باشد و ترجیح آن کار کردن با همه بازیگران است.

1. Offshore balancing
2. Balancing diplomacy

این وضعیت جهانی باعث فرصت بازیگری مستقل این سه قطب منطقه‌ای در این جغرافیا شده است. اشتراک جهت‌گیری هر سه این کشورها، خواست رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی است. ایران سال‌هاست با تحریم روبه‌رو بوده است و از مشکلات اقتصادی متعددی رنج می‌برد. ترکیه با تورم بالای ۴۰ درصد و ارزش پایین لیر و موضوعی مانند بدهکاری خارجی به دنبال ثبات در اقتصاد است. عربستان نیز بعد از بلندپروازی‌ها و هزینه‌هایی که در منطقه داشته است و البته جنگ یمن، با توجه به حرکت به سمت توافق با ایران به نظر می‌رسد به سمت تنش کمتر یا حتی عدم تنش با منطقه و بستن پرونده‌های باز باشد.

قدرت این کشورها نسبت به یکدیگر را شاید بتوان در مناطق درگیری دوگانه یا سه‌گانه‌ای با یکدیگر بررسی کرد. این مهم می‌تواند از طریق بررسی درصد دستیابی به اهداف این کشورها در این موارد صورت پذیرد. این نکته ضروری است که تحلیل این موارد به این شکل شاید بسیار سطحی و ساده‌سازی شده باشد؛ اما می‌تواند تصویری از شمای کلی قدرت این کشورها به‌ویژه نسبت به یکدیگر داشته باشد.

مورد یمن به‌نوعی شاهدهی بر هماوردی ایران و عربستان بود. نتیجه فعلی جنگ یمن و قبول حضور انصارالله توسط عربستان در معادلات یمن را می‌توان نشانی از دست برتر ایران و حامیان آن به دلایل متفاوت در این جنگ دانست. بحران سوریه و قدرت‌سنجی عوامل دخیل در آن شاید یکی از بهترین موارد و البته پیچیده‌ترین مطالعات باشد که با توجه به حضور هر سه کشور مورد بررسی یعنی ایران، عربستان و ترکیه می‌تواند تصویر قابل قبولی برای تحلیل جایگاه این سه قدرت داشته باشد. اگر سیاست عربستان و ترکیه را گذر از اسد در نظر بگیریم و سیاست ایران را ابقای بشار اسد، نتیجه فعلی مطلوب ایران بوده است.

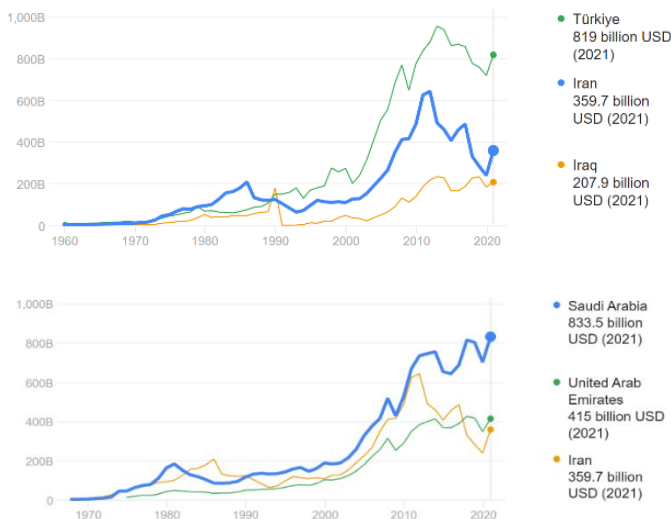
پرونده قطر و تحریم آن از سوی عربستان و کشورهای حامی آن را نیز می‌توانیم به‌عنوان موضوعی حول کنش قدرت بین ترکیه و عربستان در نظر بگیریم. این موضوع نه‌تنها باعث ضعف جبهه حامی سیاست «اسد باید برود» در سوریه شد بلکه در نهایت باعث نزدیکی بیشتر قطر به ترکیه و حتی ایران شد. این تحریم‌ها دستاورد مشخصی برای عربستان نداشت؛ اما باعث نزدیکی گروه‌های اخوانی با حمایت قطر و ترکیه شد که به‌نوعی می‌تواند بدیل بنیاد فکری مستقر در عربستان باشد.

پرونده نهایی نیز شاید بحران قره‌باغ و قدرت‌سنجی ایران و ترکیه باشد. در این کنش قدرت می‌توانیم ایران را خواستار عدم‌تغییر مرزهای منطقه بدانیم و در مقابل ترکیه را حامی ایجاد مواردی مانند تالار زنگزور و اتصال زمینی خود به خاک اصلی آذربایجان در نظر بگیریم. حداقل در زمان نگارش این متن مرزها بدون تغییر مانده است. نتیجه نهایی این است که در درگیری‌های داغ منطقه، ایران بازنده نبوده، و عربستان نیز پیروز نبوده است.

جدیدترین اتفاقی که می‌تواند بر نظم منطقه‌ای تأثیر بگذارد، عملیات هفتم مارس گروه مقاومت حماس علیه رژیم صهیونیستی دانست. اولین تأثیر آن، فرصت ایجاد جبهه‌ای واحد بین ملت‌ها و دولت‌های مسلمان منطقه علیه اقدامات رژیم صهیونیستی در حملاتش به غزه است. هرچند دیدگاه ایران، ترکیه و عربستان درباره وضعیت و راهکار احتمالی می‌تواند متفاوت باشد، حداقل این دغدغه مشترک باعث گردهمایی روسای جمهوری ایران و ترکیه در عربستان و ایجاد گفت‌وگو شود. دومین تأثیر آن نیز سخت‌تر شدن جریان عادی‌سازی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان، حداقل در کوتاه‌مدت است؛ به‌عنوان عاملی که می‌تواند ایران را از عربستان دور کند.

سطح دیگری که قدرت این سه کشور را می‌توان بررسی کرد شاید موضوعات اقتصادی باشد. هرچند به دلایل متفاوت و اینکه منطقه هنوز درگیر مسائل ابتدایی‌تر و امنیتی‌تر بوده است موضوعات اقتصادی اولویت اولیه کشورها در بحران‌ها نبوده است با بررسی مواردی مانند ظرفیت اقتصادی و رشد تولید ناخالص ملی کشورها به نظر به عللی مانند تحریم، ظرفیت اقتصادی ایران به وضوح از دو کشور دیگر عقب مانده است و دست پایین‌تر را نسبت به این دو کشور دارد. نکته‌ای که قابل توجه است این است که ایران به دلایل کارآمدتر کردن ساختار دفاعی و امنیتی خود و ایجاد متحدین در منطقه با اقتصاد ضعیف‌تر توانسته است نتیجه بهتری داشته باشد. در شکل و جدول زیر، شاخص‌هایی عمومی از سه کشور عربستان، ایران و ترکیه برای ارائه تصویری کلی از وضعیت و توانایی‌های آن‌ها درج شده است.

شکل ۱. مقایسه سیر رشد تولید ناخالص ملی کشورهای منطقه



منبع: World Bank, 2023

جدول ۱. مقایسه ابعاد قدرت ایران، ترکیه، عربستان

جغرافیا			
عربستان	ترکیه	ایران	
۲,۱۴۹,۶۹۰	۷۸۳,۵۶۲	۱,۶۴۸,۱۹۵	وسعت (کیلومتر مربع)
۱۲	۸	۱۵	تعداد همسایگان
*	*	*	دسترسی به دریای آزاد
منابع طبیعی			
ششم	نود و یکم	دوم	رتبه منابع ذخیره گاز
دوم	پنجاه و چهارم	سوم	رتبه منابع ذخیره نفت
۳۵,۹۵	۸۴,۷۸	۸۷,۹۲	جمعیت
نظامی			
بیست و دوم	یازدهم	هفدهم	رتبه بر اساس Global Fire Power
ندارد	*	*	صنایع بومی دفاعی
ندارد	ناو	ندارد	عضویت در پیمان دفاعی
اقتصادی			
۱۸	۱۹	۴۳	رتبه در GDP
۳۸	۷۱	۱۲۰	رتبه در GDP per capita
۲,۸ درصد	۴۳ درصد	۵۴ درصد	تورم
۵ درصد	۱۰ درصد	۹,۷ درصد	نرخ بیکاری
دیپلماتیک			
۱۱۴ (سی و دوم)	۲۵۴ (پنجم)	۱۴۰ (بیست و دوم)	تعداد مراکز دیپلماتیک
وضعیت دولت			
بدون انتخابات	۸۹ درصد	۴۸ درصد	درصد مشارکت در آخرین انتخابات
بیست و ششم	سی‌ام	چهل و پنجم	قدرت نرم طبق BrandFinance
یازدهم	هفدهم	هجدهم	رتبه بندی کلی قدرت طبق ارزیابی سایت USNEWS

منبع: (BrandFinance, 2023, World Bank, 2023 and Globalfireindex, 2023)

بررسی شاخص‌های قدرت این سه کشور نشان می‌دهد آن‌ها در عین تفاوت منابع قدرت خود در مجموع فاصله معناداری با یکدیگر ندارند؛ لذا در ترتیبات منطقه‌ای قادر نیستند یکدیگر را نادیده بگیرند و مجبورند تا با یکدیگر همکاری کنند. این تفاوت منابع قدرت سه کشور می‌تواند باعث ایجاد همکاری با مکمل‌های حوزه‌های قدرت در کشوری دیگر شود. نکته نهایی در بررسی این سه قطب منطقه‌ای قابل تأمل است: ایجاد متحدین عمیق در مناطق پیرامونی خودشان؛ به طوری که آذربایجان و تا حدی قطر به ترکیه نزدیک هستند. سوریه و گروه‌هایی مانند حزب الله در لبنان، حشدالشعبی در عراق و انصار الله در یمن که بازیگران بسیار تأثیرگذاری در سطح ملی و حتی منطقه‌ای هستند به ایران نزدیک‌اند. در نهایت نیز بحرین و تا حدودی امارات به عربستان نزدیک هستند. این به معنای هماهنگی قطعی سه کشور محور با بازیگران دیگر نیست؛ اما به دلیل بالادست بودن این سه قدرت به نوعی فضای زیست بازیگران فرودست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاهد مثال آن، توافق ایران و عربستان و به دنبال آن گشایش در ارتباطات قسمتی از کشورهای عربی با ایران است.

علی‌اکبر اسدی در مقاله خود که به اهداف سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان می‌پردازد، به این نکته اشاره می‌کند که عربستان اهداف خود در خصوص نظم منطقه‌ای را در سه سطح یا لایه تعریف کرده است که عبارتند از: هژمونی‌گرایی سخت در محیط پیرامونی یا حوزه شبه جزیره عربی؛ هژمونی‌گرایی نرم در حوزه جهان عرب و؛ موازنه‌سازی در سطح خاورمیانه (اسدی، ۱۳۹۷: ۴۵). این دیدگاه را می‌توان در نوع نظم فرودست نظم کنسرتی برای دیگر بازیگران نیز در نظر گرفت.

با در نظر داشتن موارد یادشده به نظر می‌رسد از شرایط نظم کنسرتی، این شاخصه‌ها را در منطقه با محوریت سه بازیگر ایران، عربستان و ترکیه می‌توان مشاهده کرد:

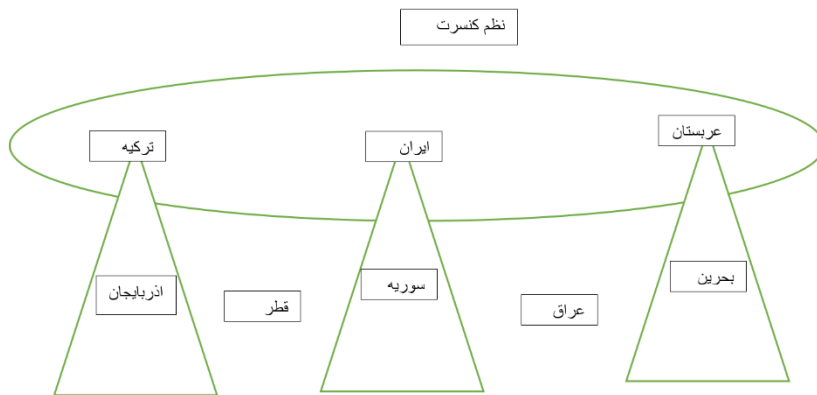
الف. هیچ یک از این سه بازیگر و تقریباً بیشتر بازیگران منطقه غرب آسیا با توجه به تجربیات موجود به دلیل هزینه بالای جنگ و احتمال موفقیت پایین آن به دنبال منازعه و تنش نظامی با یکدیگر نیستند.

ب. هزینه و شرایط هژمونی منطقه‌ای حداقل در حال حاضر، موجب شناسایی دیگر بازیگران مشروع در منطقه شده است؛ لذا تا حدی شناسایی متقابل صورت گرفته است.

پ. خروج امریکا و خلاء قدرت، موجب ایجاد نیاز به نوعی ترتیبات منطقه‌ای شده است. عدم امکان وجود هژمون منطقه‌ای در کنار نیاز به شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای، پیشانی قابل توجه برای همکاری کشورها برای رسیدن به نوعی نظم است. این موضوع قابل توجه است که اولویت اول کشورهای منطقه، اقتصاد است که الزام تنش‌گریزی دارد. این خواست را می‌توان عاملی فراگیر در منطقه دانست.

در نهایت و با بررسی ویژگی‌های نظم کنسرتی و شرایط سه کشور محور این منطقه، الگویی از نظم منطقه‌ای که در آن عربستان و ایران و ترکیه هژمون منطقه نیستند و جنگ و تنش نظامی را نیز به نفع خود نمی‌دانند می‌تواند مانند شکل ۲ باشد. در این اوضاع با توجه به وضعیت و تجربه گذشته، این کشورها ظرفیت نظم‌سازی بدون در نظر گرفتن وزنه دیگر قدرت‌های منطقه را ندارند؛ اما می‌توانند با به رسمیت شناختن همدیگر، نظاماتی منطقه‌ای با ویژگی نظم کنسرتی را هم برای خود و هم برای کشورهای پایین دست این نظم ایجاد کنند. در این نظم که تقریباً فراگیر و غیررسمی (به معنای نبود اتحاد یا توافقی مشخص) است دغدغه‌های امنیتی سه کشور به هم تا حدودی مرتفع است. بازیگر خارجی تداخل‌گری وجود ندارد. فرصت ایجاد همکاری‌های اقتصادی به عنوان دغدغه اصلی مردم و حاکمیت‌ها پس از سال‌ها تنش ایجاد می‌شود. باید به این نکته دقت کرد که این نوع نظم همه مسائل فی‌مابین بازیگران را حل نمی‌کند و فقط از ملتهب شدن آن و رفتن به سمت تنش نظامی جلوگیری می‌کند.

شکل ۲. ایده‌ای از نظم منطقه‌ای بر اساس الگوی کنسرت اروپا



منبع: نویسنده

نتیجه‌گیری

نظم کنسرت را می‌توان به نوعی شبه‌نظم یا نظم رقیق دانست که ترتیبات آن قطعی و صلب نیست؛ اما نوعی از هماهنگی و هم‌ذهنی را بین بازیگران قدرتمندتر یک منطقه ایجاد می‌کند. این هماهنگی بین وزنه‌های اصلی یک منطقه، فضای زیست دیگر بازیگران منطقه را نیز جهت می‌دهد. منطقه غرب آسیا که سال‌هاست شاهد تنش و محوریت‌انگیزه‌های امنیتی است امروزه به دلیل خروج امریکا و ایجاد خلاء و تمایلات درونی بازیگران برای رسیدن به توسعه اقتصادی فرصت نوعی از نظم را فراهم کرده است.

حال با مطابقت ویژگی‌های نظم کنسرتی و الزامات آن به شرایط فعلی منطقه، نظمی که در آن قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای ابتدا منافع حیاتی یکدیگر را به رسمیت بشناسند، هیچ قدرت برتر و هژمونی در منطقه وجود نداشته باشد، درک بالایی از هزینه‌های بالقوه زیاد جنگ و حق دیگر بازیگران مشارکت‌کننده در این فرایند وجود داشته باشد و در نهایت وضعیت تجدیدنظرطلبی از سمت بازیگران کنار گذاشته شود. هرچند این شاخص‌ها نسبی است، وجود آنان در منطقه و به ویژه در نسبت روابط بازیگران محوری منطقه یعنی ایران، ترکیه و عربستان قابل مشاهده و همانندجویی است؛ لذا در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش به نظر می‌رسد شرایط ایجاد نظمی منطبق بر الگوی کنسرت وجود دارد. بر اساس شکل ۲، نوع نظم کنسرتی و الگویی از ترتیبات امنیتی که می‌توان متصور بود، شامل سه رأس اصلی (که مرکز ثقل قدرت منطقه هستند) متشکل از ایران، عربستان و ترکیه است که ذیل آن، دیگر بازیگران منطقه نیز تحت تأثیر هم‌ذهنی این بازیگران خود را جانمایی می‌کنند. البته این فرصت دستیابی به الگوی نظمی منطقه‌ای شبیه به کنسرت به معنای نداشتن چالش نیست. عاملی که شاید برای تحقق این نوع نظم مانع اصلی

باشد، شناسایی منافع حیاتی یکدیگر توسط قدرت‌های منطقه‌ای و رضایت از وضعیت موجود باشد. نکته دیگر تدوین نظم به صورتی است که کشورهای پیرامونی این سه قطب نیز خود را منتفع ببینند. هرچند که بازیگران پیرامونی این سه قدرت منطقه‌ای از عدم منازعه آن‌ها که الزام این نوع نظم است بهره‌مند خواهند شد. این موضوع بسیار حائز اهمیت است که شکل‌گیری این نوع نظم نیاز به سرعت عمل این سه کشور و ابتکار دیپلماتیک دارد و به نوعی دریچه ایجاد نظم منطقه‌ای نامحدود نیست؛ زیرا این موارد و پیشران‌هایی که می‌تواند احتمال نظم کنسرتی را ایجاد کند در صورت شکل نگرفتن این نوع نظم، می‌تواند تغییر یابد و تخلیه شوند.

در این مورد، فرصت همکاری ایران و عربستان برای ایجاد هماهنگی نزدیک‌تر اقتصادی و امنیتی قابل ذکر است. اگر پیشران اقدامات خارجی کشورها را به صورت کلی یکی از سه عامل امنیتی، اقتصادی یا هویتی بدانیم به نظر می‌رسد مسئولین فعلی عربستان کمتر هویت محور شده‌اند. این موضوع زمانی مهم‌تر است که بتوان تقسیم‌نقشی را بین ایران و عربستان تعریف کرد؛ به صورتی که بازیگری مثل ایران با دست برتر امنیتی-دفاعی، دغدغه امنیتی عربستان را برطرف کند و حتی خدمات امنیتی ارائه دهد. در مقابل نیز با توجه به وضعیت مطلوب اقتصادی عربستان فرصت توسعه اقتصادی را در اختیار ایران قرار دهد.

کتابنامه

احمدی لفورکی، بهزاد؛ طالبی آرانی، روح‌الله، (۱۳۹۷)، بازخوانی مدل‌های مطالعات منطقه‌ای در تقویت مبانی کاربردی الگوی‌های روابط امنیتی بین‌منطقه‌ای، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰، (۱): ۴۲-۱۲.

اسدی، علی اکبر، (۱۳۹۷)، عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمونی‌گرایی تا موازنه‌سازی، *جستارهای سیاسی معاصر*، ۹ (۳): ۵۲-۲۷.

آقایی، داوود؛ طاهری، ابراهیم، (۱۳۹۶)، تبیین ژئواکونومیک نظم منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای مرکزی در سیستم جهانی، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۰ (۲): ۲۵۵-۲۷۰.

دهشیری، محمدرضا؛ شاه مرادی، حسین، (۱۳۹۹)، عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا بر اساس نظریه موازنه همه‌جانبه، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳ (۱): ۷۵-۱۰۸.
دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۷)، «نظم دوقطبی یا نظم کنسرتی»، مصاحبه با دنیای اقتصاد، قابل دسترسی در: تاریخ چاپ: ۲۹/۰۹/۱۳۹۷

<https://donya-e-egtesad.com/fa/tiny/news-3476894>.

رسولی ثانی آبادی، الهام؛ طاهری، ابراهیم؛ پاکزادمقدم، سید علی، (۱۳۹۹)، آینده پژوهی روابط سیاسی ایران و عربستان و پیامدهای آن بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۷ (۶۲): ۱۳۸-۱۲۱

- طالبی آرانی، روح الله؛ اکبری کریم‌آبادی، نورالدین، (۱۳۹۸)، نظم‌های منطقه‌ای غیراروپایی از منظر مکتب انگلیسی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹ (۱): ۱۵۹-۱۸۶.
- معراجی، ابراهیم؛ دهشیار، حسین، (۱۳۹۹)، امکان‌سنجی شکل‌گیری نظم و امنیت در منطقه پساآمریکایی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰ (۲): ۲۴۱-۲۵۴.
- معراجی، ابراهیم؛ دهشیار، حسین؛ دهشیری، محمدرضا، (۱۴۰۰)، سناریوهای نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه از منظر مدل آینده‌پژوهی تایدا، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳ (۴۸): ۱۱۰-۱۲۴.

References

- Aghaei, Dawood; Taheri, Ibrahim, (2016), Geoeconomic explanation of the regional order of the Middle East and Central Asia in the global system, *Central Eurasian Studies*, 10 (2): 255-270. (In Persian)
- Ahmadi Lefurki, Behzad; Talebi Arani, Ruhollah, (2017), Rereading regional studies models in strengthening the practical foundations of interregional security relations patterns, *Political and International Approaches*, 10, (1): 12-42. (in Persian)
- Albaret M., Badie B., Bajpai K., Demidov O., Horsburgh N. (2014). A Twenty-First Century Concert of Powers – Promoting Great Power Multilateralism for the Post-Transatlantic Era. Frankfurt Peace Research Institute
- Asadi, Ali Akbar, (2017), Saudi Arabia and regional order: from hegemony to balancing, *Contemporary Political Essays*, 9 (3): 27-52. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal, (2017), "Dipolar order or concert order", interview with *World Economy*, available at: <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3476894> (in Persian)
- Del Sarto, Raffaella A. and Malmvig, Helle and Lecha, Eduard Soler i, (2019). *Interregnum: The Regional Order in the Middle East and North Africa after 2011*. MENARA Final Reports No. 1, February 2019, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3367815> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3367815>
- Deshiri, Mohammadreza; Shah Moradi, Hossein, (2019), Determinants in West Asia's security system based on comprehensive balance theory, *International Relations Studies Quarterly*, 13 (1): 75-108. (In Persian)
- Globalfireindex. (2023). 2023 Military Strength Ranking. Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>
- Hass, R & Kupchan, C. (2021). The New Concert of Powers. *Foreignaffairs*. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2021-03-23/new-concert-powers>
- Humphreys, A. (2017). Concerts as a mode of ordering in world politics: an ideal-type approach. In: Muller, H. and Rauch, C. (eds.) *Great Power Multilateralism and War Prevention: Concert or Contest?* Routledge, Abingdon, pp. 46-62. ISBN 9781138634435 Available at <http://centaur.reading.ac.uk/68447/>

- Lascurettes, K. (2017). *The Concert of Europe and Great-Power Governance Today: What Can the Order of 19th-Century Europe Teach Policymakers About International Order in the 21st Century?* Santa Monica, CA: RAND Corporation, Available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE226.html>. Also available in print form.
- Mauil, H. (2018). *The Rise and Decline of the Post-Cold War International Order*. Oxford University Press
- Mearaji, Ibrahim; Deshyar, Hossein, (2019), Feasibility of formation of order and security in the post-American region, *International Relations Research*, 10 (2): 241-254. (In Persian)
- Mearaji, Ibrahim; Deshyar, Hossein; Deshiri, Mohammad Reza, (1400), scenarios of regional order in the event of the withdrawal of American forces from the region from the perspective of Taida future research model, *Scientific Quarterly of Political and International Research*, 13 (48): 110-124(in Persian)
- Rasouli Sanibadi, Elham; Taheri, Ibrahim; Pakzadmoghadam, Seyyed Ali, (2019), future research of political relations between Iran and Saudi Arabia and its consequences on the regional order of the Middle East, *Islamic Revolution Studies*, 17th year (62): (in Persian)
- Salem, P. (2008). *The Middle East: evolution of a broken regional order*. Carnegie. Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/158020/CMEC_9_salem_broken_order_final.pdf
- Talebi Arani, Ruhollah; Akbari Karimabadi, Nuruddin, (2018), Non-European regional orders from the perspective of the English school, *International Relations Studies*, 9 (1): 159-186. (In Persian)
- USNews. (2023). *Power Index*. Available at: <https://www.usnews.com/news/best-countries/rankings/power>
- Worldbank.(2023). *WORLD DEVELOPMENT INDICATORS*. Available at: <https://datatopics.worldbank.org/world-development-indicators/>